

الله الرحمن الرحيم



دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی - مرکز تهران

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

بررسی تطبیقی اصطلاحات عرفانی «احوال و مقامات»

استاد راهنما:

دکتر محمود فضیلت

استاد مشاور:

دکتر فاطمه توکلی رستمی

نخارش:

انور قادری

مردادماه ۱۳۹۰



بسمه تعالی

## تصویب پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان بررسی تطبیقی اصطلاحات عرفانی «احوال و مقامات» که در مرکز تهران تهیه و به هیأت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد.

تاریخ دفاع : نمره : درجه ارزشیابی :

اعضای هیأت داوران :

<u>امضاء</u>	<u>مرتبه علمی</u>	<u>هیأت داوران</u>	<u>نام و نام خانوادگی</u>
		استاد راهنما	۱- دکتر محمود فضیلت
		استاد مشاور	۲- دکتر فاطمه توکلی رستمی
		استاد داور	۳-
		نماینده گروه علمی	۴-
		نماینده تحصیلات تکمیلی	۵-

## تقدیم

به وجود مبارک پدر عزیزم که بارنج تن روزگاری گذراند و همواره حامی و مشوق فرزندانش

به کسب علم و ایمان بوده و هست،

و به روح مادرم که سبیل محبت و صفا و ایثار بود

و به همراه زندگی و بمسرم،

و به گل های باغ زندگی ام، فرزندان دلبندم کیما و محمد.

## قدردانی

بر من است به رسم حق گزارسی، از زحمات بی دریغ اساتید فرهیخته‌ی گروه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پیام نور تهران، که افتخار شاگردی و بهره‌مندی از محضر درس ایشان را داشته‌ام بی نهایت سپاس گزارسی نمایم.

از جناب آقای دکتر محمود فضیلت، استاد دانشمند و وارسته، که با وجود مشغله‌های فراوان در امر تدریس و تألیف در کمال مهر و ممانت و با بزرگواری راهنمایی و ارشاد حقیر را قبول فرمودند، بسیار سپاس گزارم و همواره افتخار می‌کنم که سعادت تلمذ از پیشگاه این استاد فرزانه و فرهیخته نصیب این کمترین شده است. مشورت‌ها و راه‌گشایی‌های تیرمینانه و بی دریغ استاد فضیلت عامل توفیق در این کار بود. دلسوزی‌ها و تشویق‌های مهربان‌ش را می‌تایم و همیشه سپاس گزار اویم.

از خداوند متعال طول عمر با عزت و سلامتی ایشان را عاجزانه خواستارم و توفیقات روز افزون ایشان را در راه  
کسترش فرهنگ و ادب ایران زمین آرزو مندم.

از جناب آقای دکتر علی محمد پشت دار، استاد فرزانه و الگویی اخلاق که در طول تحصیل از محضر درس ایشان، همواره  
فیض برده ایم و با صبر و دل‌سوزی محل رجوع دانشجویان بوده و هستند و به عنوان استاد مشاور قبول زحمت فرمودند صمیمانه  
سپاس گزارم.

راهبانی‌ها، رومی‌گشاده و مهربانی و فروتنی دکتر پشت دار را همیشه به یاد خواهیم داشت و از بن دندان سپاس گزار  
اویم. خدای یگانه به وی طول عمر با عزت و توفیق عنایت فرماید.

در ضمن از عنایات، همکاری و همکاری برادر عزیزم جناب آقای دکتر علیرضا قادری که در راه به شمر نشستن این  
پایان نامه مرا یاری نمودند، از صمیم قلب تشکر می‌نمایم.

## پیش‌گفتار

الف) کتاب‌های پایه در این پژوهش

ب) چگونگی تحقیق و پژوهش

ج) محتوای تحقیق

د) هدف‌ها و پیشنهادها

کتاب و منابع اصلی در این پژوهش عبارتند از:

۱. اللّمع فی التّصوّف

۲. کشف‌المحجوب

۳. رساله‌ی قشیریّه

۴. شرح تعرّف

۵. مرصاد‌العباد

۶. طبقات‌الصوفیّه

۷. منازل‌السائرين

۸. تذکره‌الاولیاء

۹. اصطلاحات‌الصوفیّه

۱۰. مصباح‌الهدایه و ...

در ابتدا پس از مطالعه‌ی جدی و هدفمند هر یک از کتاب‌های مذکور، سعی گردیده که نکات مهم و اساسی در رابطه با موضوع پایان‌نامه، تحت عنوان «بررسی تطبیقی اصطلاحات عرفانی احوال و مقامات» از آثار و کتب یاد شده استخراج، تعریف و سپس مورد نقد و بررسی و دقت نظر قرار گیرد.

این پایان‌نامه دارای یک مقدمه و پنج فصل می‌باشد.

در فصل اول، بررسی ریشه‌شناسی تصوّف و صوفی، ریشه‌ها و زمینه‌های پیدایش عرفان و تصوّف، مبانی و منابع عرفان ایران و عوامل شکل‌گیری و پیدایش تصوّف و عرفان اسلامی، مطرح و مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد.

در فصل دوم، کلیات و تعاریف اصطلاحات «عرفان و تصوّف»، «عارف و صوفی»، «سالک و سلوک»، طرح و مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم، تعاریف و کلیاتی در باب «حال و مقام» بیان شده سپس به بررسی دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب حال و مقام پرداخته شده و وجه تسمیه ی «حال و مقام» بیان شده است.

فصل چهارم به مراتب حال و مقام اختصاص یافته است. در بخش اول این فصل پیرامون مراتب حال و مقام، تحلیل و بررسی معمول گشته است.

در بخش دوم، احوال عرفانی شامل: مراقبه، قرب، محبت، خوف، رجاء، شوق، انس، اطمینان (طمأنینه)، مشاهده و یقین به صورت جداگانه مورد تعریف و تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفته و قول مشاهیر و مشایخ عرفان و تصوف در باب هر کدام بیان می گردد.

در بخش سوم، مقامات عرفانی شامل: توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل و رضا مورد کنکاش قرار می گیرد و هر کدام از مقامات جداگانه تعریف و مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرند و به ذکر اقوال مشایخ عرفان در باب هر کدام پرداخته می شود.

در فصل پنجم به بررسی تطبیقی و وجوه تمایز در حال و مقام پرداخته شده است.

در تدوین این پایان نامه سعی شده که علاوه بر کتب و منابع ذکر شده، به سایر کتب و منابع عرفانی نیز توجه و مطالبی مناسب از سایر کتب جمع آوری و مکتوب گردد.

البته آثار پژوهش گران، محققین و نویسندگان معاصر در باب موضوع نیز مورد بهره و استفاده قرار گرفته است.

پایان نامه ی حاضر، حاصل حدود دو سال تلاش و مطالعه ی ده ها کتاب پیرامون عرفان و تصوف و به ویژه اصطلاحات عرفانی «حال و مقام» می باشد.

هدف و انگیزه ی نگارنده از پژوهش و تحقیق و انتخاب این موضوع این بود که ابتدا ریشه ها و مبانی عرفان و تصوف را دریافته و به تعاریف دقیق و مقبولی از اصطلاحات، عرفان و عارف، تصوف و صوفی، سلوک و سالک و به طور اخص «حال و مقام» دست یافته و به بررسی تطبیقی، تجزیه و تحلیل و نقد اصطلاحات عرفانی احوال و مقامات پردازم و تأثیر و تأثر و ارتباط متقابل احوال و مقامات عرفانی را از آثار و منابع مهم و مذکور عرفان استخراج نمایم.

برای انجام این کار پژوهشی، همان طور که پیش تر اشاره گردیده آثار عرفانی مهم و مشهوری انتخاب گردید که بازتاب موضوع مورد نظر، به نحو بارزی در آن ها انعکاس یافته است. باید اذعان داشت که، گستردگی موضوع، اختلاف نظر صوفیه و محققان در باب تصوف و مباحث مربوط به آن، تحقیق و پژوهش در این عرصه را مشکل می نمایاند و چون پژوهش بسنده و ارزنده در سرزمین پهناور و بی کران عرفان به سادگی میسر نیست؛ بی گمان این پایان نامه نیز بدون نقص و کاستی نیست ولی چه توان کرد:



آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

نگارنده امیدوار است که این پژوهش توسط دانشجویان و شیفتگان ادب و عرفان ادامه یابد، چرا که معتقد است، بررسی اصطلاحات عرفانی حال و مقام را نمی توان در چند اثر منثور و منظوم عرفانی و ادبی محدود و محصور نمود، بلکه می توان در یک تقسیم بندی کلی، به بررسی این موضوع در آثار منثور و منظوم از ابتدا تاکنون و به طور مجزا، در یک یا چند قرن مشخص و معین پرداخت؛ تا کار پژوهشی و تحقیقی در این زمینه، علمی تر، دقیق تر و گسترده تر انجام پذیرد و جویندگان معرفت از این طریق به مبحث «حال و مقام» در دیگر آثار منثور و منظوم عرفانی، آشنایی و اطلاع بیشتری بدست آورند و با این آثار در طول قرون متمادی آشنا شوند (ان شاء الله) و به قول اقبال لاهوری:

گمان مبر که به پایان رسید کار مغان

هزار باده ی ناخورده در رگ تاک است

تابستان ۱۳۹۰ - انور قادری

## چکیده

این پایان نامه، پژوهشی است: درباره ی «بررسی تطبیقی اصطلاحات عرفانی احوال و مقامات» در اُمّهات کتب عرفانی با نگرشی بر: اللّمع، رساله ی قشیریّه، شرح تعرّف، کشف المحجوب، مرصاد العباد، تذکره الاولیاء، مصباح الهدایه و ... .

دو اصطلاح «حال و مقام»، از اصطلاحات اساسی و بنیادین در عرصه عرفان و تصوّف است و در عرفان اسلامی ایرانی از عمق و گستردگی برخوردار بوده و نقش بنیادین دارد. دست یابی به این مهم، منوط به بررسی دقیق و به دست دادن تعاریف و توصیفات عالمانه از این دو اصطلاح و درجات آن هاست؛ که گامی اساسی در جهت شناخت فرهنگ و معنویت اسلام و ایران می باشد.

این پژوهش برآن است تا ضمن تعمّق و تحقیق در متون نثر کهن به شیوه ی توصیفی و تحلیلی، به اصطلاحات ((احوال و مقامات)) بپردازد. در این تحقیق سعی شده است که با شیوه ای روشمند و با بهره گیری از متون عرفانی درجه اوّل و استفاده از پژوهش های انجام شده در این زمینه، به وجوه تمایز حال و مقام و مراتب آن ها، سیر تحولی این سلسله مراتب، تفاوت ها در تعریف و درجات حال و مقام، دیدگاه های عرفا و صاحب نظران در این موضوع و عوامل متعدد تأثیر گذار بر محتوا و مراتب این دو مقوله بپردازد.

واژه های کلیدی : احوال، مقامات، نقد و بررسی، تطبیق.

# فهرست مطالب

صفحه	عنوان
.....	مقدمه
۱.....	فصل اول: ریشه‌شناسی، مبانی و عوامل پیدایی عرفان و تصوف
۲.....	بخش اول
۲.....	۱-۱. ریشه‌شناسی تصوف و صوفی
۱۲.....	بخش دوم
۱۲.....	۲-۱. زمینه‌های پیدایش و پیشینه‌ی تاریخی عرفان و تصوف
۱۴.....	۱-۲-۱. مبانی و منابع عرفانی ایرانی
۱۴.....	۱-۱. تأثیر آموزش‌های زرتشت
۱۶.....	۲-۱. اندیشه‌ها و عقاید بودا
۱۷.....	۳-۱. آیین میتراپی (آیین مهر)
۲۲.....	۴-۱. تأثیر فلسفه‌ی اشراق
۲۴.....	۵-۱. اندیشه‌های نو افلاطونی
۲۶.....	۶-۱. گنوستی سیسم
۲۷.....	۷-۱. عرفان یهود و عرفان مسیحی
۲۹.....	۲-۲-۱. عوامل شکل‌گیری و پیدایش تصوف اسلامی
۲۹.....	۱-۲. تأثیر عقاید بودایی و مانوی
۳۰.....	۲-۲. تأثیر اندیشه‌های نو افلاطونی
۳۱.....	۳-۲. تأثیر آیین یهود و مسیح
۳۴.....	۴-۲. تأثیر منابع اسلامی
۴۱.....	نتیجه‌گیری فصل اول
۴۳.....	فصل دوم: اصطلاحات «عرفان و عارف، تصوف و صوفی، سلوک و سالک»
۴۴.....	۱-۲. بخش اول: عرفان و عارف
۴۴.....	۱-۱. عرفان
۴۷.....	۲-۱. عارف
۵۱.....	۲-۲. بخش دوم: تصوف و صوفی
۵۱.....	۱-۲. تصوف در لغت و اصطلاح

۵۲	..... ۲-۲. تحلیل و بررسی پیرامون تصوّف
۵۷	..... ۳-۲. تحلیل و بررسی دیدگاه عرفا و مشایخ و صاحب نظران در مورد صوفی
۶۰	..... ۳-۲. بخش سوم : سلوک و سالک
۶۰	..... ۱-۳. سلوک در لغت و اصطلاح
۶۱	..... ۲-۳. شرایط و ارکان سلوک
۶۲	..... ۳-۳. سالک در لغت و اصطلاح
۶۴	..... ۴-۳. تفاوت عرفان و تصوّف
۶۸	..... نتیجه گیری فصل دوم
۷۱	..... فصل سوم: حال و مقام
۷۲	..... ۱-۳. بخش اوّل : « حال »
۷۲	..... ۱-۱. حال در لغت و اصطلاح
۷۳	..... ۲-۱. دیدگاه مشایخ و مشاهیر صوفیّه و عرفان در باب حال
۷۳	..... ۲-۳. بخش دوم : (( مقام ))
۷۳	..... ۱-۲. مقام در لغت و اصطلاح
۷۵	..... ۲-۲. دیدگاه مشایخ و مشاهیر صوفیّه و عرفان در باب «مقام»
۷۶	..... ۳-۲. وجه تسمیّه ی حال و مقام
۷۷	..... نتیجه گیری فصل سوم
۷۸	..... فصل چهارم: مراتب حال و مقام
۷۹	..... ۱-۴. بخش اوّل : تحلیل و بررسی پیرامون مراتب حال و مقام
۸۸	..... ۲-۴. بخش دوم : مراتب حال
۸۸	..... ۱-۲. مراقبه ( مراقبت )
۸۸	..... ۱-۱. مراقبه در لغت و اصطلاح
۹۰	..... ۲-۱. انواع مراقبه
۹۰	..... ۳-۱. مراحل مراقبت
۹۱	..... ۴-۱. دیدگاه مشاهیر صوفیّه و عرفان در باب مراقبه
۹۳	..... ۲-۲. قرب
۹۳	..... ۱-۲. قرب در لغت و اصطلاح
۹۴	..... ۲-۲. دیدگاه مشاهیر صوفیّه و عرفان در باب قرب
۹۵	..... ۳-۲. انواع مقربان
۹۶	..... ۳-۲. محبّت
۹۶	..... ۱-۳. بحث و بررسی پیرامون محبّت
۹۸	..... ۲-۳. محبّت در لغت و اصطلاح

- ۳-۳. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب محبت ..... ۱۰۰
- ۴-۳. حالات اهل محبت ..... ۱۰۱
- ۴-۲. خوف ..... ۱۰۲
- ۴-۱. تحلیل و بررسی پیرامون خوف و رجاء ..... ۱۰۲
- ۴-۲. خوف در لغت و اصطلاح ..... ۱۰۴
- ۴-۳. خائف کیست ؟ ..... ۱۰۵
- ۴-۴. انواع خوف ..... ۱۰۵
- ۴-۵. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب خوف ..... ۱۰۶
- ۵-۲. رجاء ( امید ) ..... ۱۰۷
- ۵-۱. رجاء در لغت و اصطلاح ..... ۱۰۷
- ۵-۲. انواع رجاء ..... ۱۰۷
- ۵-۳. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب رجاء ..... ۱۰۸
- ۶-۲. شوق ..... ۱۰۸
- ۶-۱. تحلیل و بررسی پیرامون شوق ..... ۱۰۸
- ۶-۲. شوق در لغت و اصطلاح ..... ۱۱۰
- ۶-۳. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب شوق ..... ۱۱۰
- ۶-۴. انواع اهل شوق ..... ۱۱۱
- ۷-۲. انس ..... ۱۱۲
- ۷-۱. بررسی و تحلیل پیرامون انس ..... ۱۱۲
- ۷-۲. انس در لغت و اصطلاح ..... ۱۱۴
- ۷-۳. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب انس ..... ۱۱۴
- ۷-۴. مراتب اهل انس ..... ۱۱۵
- ۸-۲. طمأنینه ( اطمینان ) ..... ۱۱۶
- ۸-۱. طمأنینه در لغت و اصطلاح ..... ۱۱۶
- ۸-۲. اقسام اطمینان ..... ۱۱۶
- ۸-۳. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب اطمینان ..... ۱۱۷
- ۹-۲. مشاهده ..... ۱۱۷
- ۹-۱. مشاهده در لغت و اصطلاح ..... ۱۱۷
- ۹-۲. انواع مشاهده ..... ۱۱۸
- ۹-۳. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب مشاهده ..... ۱۱۸
- ۱۰-۲. یقین ..... ۱۲۰
- ۱۰-۱. یقین در لغت و اصطلاح ..... ۱۲۰

- ۱۰-۲. مراتب یقین..... ۱۲۱
- ۱۰-۳. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب یقین..... ۱۲۱
- ۴-۳. بخش سوم: مراتب مقام..... ۱۲۲
- ۳-۱. توبه..... ۱۲۳
- ۱-۱. تعریف توبه و حقیقت آن..... ۱۲۳
- ۱-۲. انواع توبه..... ۱۲۶
- ۱-۳. ارکان توبه..... ۱۲۶
- ۴-۱. درجات توبه..... ۱۲۷
- ۵-۱. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب توبه..... ۱۲۷
- ۳-۲. ورع..... ۱۳۰
- ۲-۱. ورع در لغت و اصطلاح..... ۱۳۰
- ۲-۲. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب ورع..... ۱۳۱
- ۳-۳. زهد..... ۱۳۲
- ۱-۳. زهد در لغت و اصطلاح..... ۱۳۲
- ۲-۳. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب زهد..... ۱۳۴
- ۳-۳. زاهد از دیدگاه مشاهیر عرفان و تصوف..... ۱۳۵
- ۳-۴. علامت های زهد از نظر عرفا و متصوفه..... ۱۳۶
- ۳-۵. انواع زهد..... ۱۳۷
- ۳-۴. فقر..... ۱۳۷
- ۴-۱. بحثی پیرامون «فقر»..... ۱۳۷
- ۴-۲. فقر در لغت و اصطلاح..... ۱۳۹
- ۴-۳. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب فقر و فقیر..... ۱۴۱
- ۴-۴. انواع فقیران..... ۱۴۳
- ۳-۵. صبر..... ۱۴۴
- ۵-۱. بحثی در ارتباط با «صبر»..... ۱۴۴
- ۲-۵. صبر در لغت و اصطلاح..... ۱۴۵
- ۳-۵. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب صبر..... ۱۴۷
- ۳-۶. توکل..... ۱۴۸
- ۶-۱. اهمیت مقام «توکل»..... ۱۴۸
- ۶-۲. توکل در لغت و اصطلاح..... ۱۴۹
- ۶-۳. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب توکل..... ۱۵۰
- ۶-۴. انواع توکل و متوکلان..... ۱۵۲

۱۵۲	۷-۳. رضا.....
۱۵۲	۱-۷. تحلیل و بررسی پیرامون مقام «رضا».....
۱۵۴	۲-۷. آیا رضا جزء مقامات است یا احوال؟.....
۱۵۵	۳-۷. رضا در لغت و اصطلاح.....
۱۵۶	۴-۷. دیدگاه مشاهیر صوفیه و عرفان در باب رضا.....
۱۵۸	۵-۷. انواع ( حالات ) اهل رضا.....
۱۵۹	نتیجه گیری فصل چهارم.....
۱۶۶	فصل پنجم: بررسی تطبیقی و وجوه تمایز حال و مقام.....
۱۷۸	نتیجه گیری فصل پنجم.....
۱۷۹	فهرست منابع و مآخذ.....

## مقدمه

عرفان و تصوف بخش مهمی از حیات روحانی بشریت به شمار می رود. در باب منشاء آن عقاید گوناگونی ابراز شده است، اما به نظر می رسد که تصوف و عرفان لازم و ملزوم هر دین و شریعتی باشد که به سوی کمال و معرفت حقیقی و ایمان به وحدت وجود پیش می رود. بنابراین خداشناسی و توجه به مبدأ و وصول به حقیقت را در تمام مذاهب دنیا می توان یافت.

اساساً سخن از تاریخ عرفان و تصوف مشکل است زیرا در حقیقت جوهر عرفان و تصوف تاریخ ندارد. با این وجود از آن جهت که عرفان و تصوف در هر زمان اصول خود را به زبانی متناسب با مقتضیات فکری و روحی آن زمان بیان کرده، و از آن لحاظ که در مدت قرن های بسیار مکاتب مختلفی برای تعبیر از عرفان و تصوف به وجود آمده که متناسب با نیازمندی گروه های مختلف مردم باشد، می توان از جهات مختلف میراث عرفان و تصوف هر دوره و زمانی را مشخص نمود.

از نخستین سال های دومین قرن هجری، مشربیه روحانی در ایران رسوخ یافت که مبنای آن بر تربیت عرفانی نفس و مطلوب آن رسیدن به حقیقت مطلق بود و اندک اندک پیروان این مشرب را صوفی و عارف نام نهادند.

عرفان و تصوف راهی است برای رسیدن به کمال معنوی که جنبه ی درونی وحی در اسلام است، هر چند این نام در دوره های متأخر پیدا شده، اما حقیقت عرفان و تصوف و روش های آن به ابتدای وحی بر می گردد و با معنی و صورت اسلام، آن گونه که در قرآن کریم آمده ارتباط بسیار محکم دارد.

در نظر کسی که در راه و رسم عرفان قدم می گذارد و چون سالک طریقت حق زندگی می کند، اولین و کامل ترین عارف، پیامبر اسلام است و بعد از آن علی بن ابی طالب و معصومین هستند که نمایانگر درون و باطن اسلام بوده اند. عرفا و صوفیان راستین به هیچ عملی دست نمی زدند که پیغمبر و ائمه و اصحاب آنان چنان نکرده بودند.

به راستی عرفان چیست؟ و عارف و صوفی کیست؟ هدف عارف چیست؟ و برای نیل به هدف چه باید بکند؟ به زبانی ساده می توان گفت که عرفان به معنای شناخت و معرفت حق تعالی (خداشناسی) است و عارف و صوفی کسی است که می خواهد به این معرفت نیل گردد، پس هدف عارف حق تعالی است و آخرین مقصد او رسیدن به قلّه ی منیع انسانیت یعنی «توحید» است.



برای نیل به این هدف، عارف باید به سیر و سلوک دست زند؛ یعنی طی طریق کردن و رسیدن به مرحله ی جز خدا هیچ ندیدن. از نظر عارف رسیدن به این مرحله کار عقل و اندیشه نیست، کار دل و مجاهده و تصفیّه و تهذیب نفس است.

از این رو، در عرفان سخن از نقطه ی آغاز است و از مقصد و از منازل و مراحل که عارف و سالک، باید طی کند تا به سر منزل نهایی برسد.

از نظر عارف برای انسان صراط وجود دارد و آن صراط را باید بپیماید و مرحله به مرحله و منزل به منزل طی کند و رسیدن به منزل بعدی بدون گذر کردن از منزل قبلی ناممکن است.

در سیر و سلوک عرفانی از یک سلسله «احوال و مقامات» سخن می رود که منحصرأً به سالک راه، در طی طریق ها دست می دهد و دیگران از آن احوال بی خبرند. سالک در طی سیر و سلوک، برای این که به قلّه ی بلند انسانیت؛ یعنی «توحید» برسد، از جایی باید آغاز کند و منازل و مراحل را باید به ترتیب طی نماید.

البته این منازل و مراحل باید با اشراف و مراقبت یک «انسان کامل» و پخته که قبلاً، این راه را طی کرده و از رسم و راه منزل ها آگاه است، صورت می گیرد. اگر همت انسان کامل بدرقه ی راه نباشد، خطر گمراهی وجود دارد. عرفا از این انسان کاملی که ضرورتاً باید همراه باشد، گاهی به «طایر قدس» و گاهی به «خضر» و ... تعبیر می کنند.

که دراز است ره مقصد و من نوسفرم <sup>۱</sup>	همّت بدرقه ی راه کن ای «طایر قدس»
ظلمات است بترس از خطر گمراهی <sup>۲</sup>	ترک این مرحله بی همرهی «خضر» مکن

به هر صورت عارف می خواهد با تمام وجودش حرکت کند و به کنه و حقیقت هستی برسد، او می خواهد چون قطره ای به دریای حقیقت بپیوندد؛ زیرا کمال او در رسیدن است و برای نیل به مقصد اصلی، عبور از یک سلسله منازل و مراحل و مقامات را لازم و ضروری می داند.

عرفا برای رسیدن به هدف منازل و مقامات قائلند، که عملاً باید طی شود و بدون عبور از آن منازل، وصول به هدف را غیر ممکن می دانند.

لذا، سیر و سفر معنوی، سفری بسیار دشوار و سنگین است که هر کسی توان طی کردن این مسیر را ندارد. اراده ای مصمّم و عزمی آهنین می خواهد. سالک برای وصول به مقصد، باید سختی ها و

۱- حافظ، شمس الدین محمد، ۱۳۷۴، ص ۳۵۴.

۲- همان، ص ۴۹۵.

موانع فراوانی را پشت سر بگذارد. منازل متعددی را باید سپری کند. فاصله‌ی میان هر منزل تا منزل دیگر ممکن است سال‌ها طول بکشد و هیچ تضمینی وجود ندارد که یک سالک بتواند، همه‌ی منازل و مقامات را طی نماید. به همین دلیل یکی از مباحث مهم و اساسی در عرفان و تصوف و در میان اهل سیر و سلوک معنوی، بحث از «حال» و «مقام» است.

«سالک و صوفی راه حق در طی سال‌های دراز مراحل (مقامات) را طی می‌کند. اگر در آن مقام بایستد و بکوشد به مقام بالاتر راه می‌برد و این مقامات، که گاه ترتیب و تعداد آن‌ها در نزد مشایخ فرق می‌کند؛ البته با مجاهدت به دست می‌آید و نوعی کسب روحانی است. اما وقتی سالک را استعداد و مایه‌ی قلبی است جانش معروض حال می‌شود و این احوال دیگر به کسب و مجاهده نیست، موهبت خداست چیزی است که از غیب بر جان او وارد می‌شود، مثل برقی گذران دل او را نوعی روشنی می‌بخشد و دیر یا زود خاموش می‌گردد.

اما تکرار یک حال بسا که سالک را از یک مقام به مقام بالاتر می‌برد و او را در طریق کمال، ترقی می‌دهد غایت این همه نیز از حال و مقام اتصال مستقیم با حق است.»<sup>۱</sup>

اهمیت مقامات، احوال و فضائل روحانی که جان باید تجربه و کسب کند، به این دلیل است که مشخص‌کننده‌ی مراتب عروج جان به سوی خداوند است و در واقع، هر فضیلتی مقامی است که باید جان آن را طی کند و به طور پیوسته آن را تجربه نماید.

البته صوفیان همواره تأکید کرده‌اند که غایت تصوف، داشتن فلان فضیلت یا مقام و حال نیست بلکه در ورای همه‌ی فضایل و احوال و مقامات، نیل به وصال خداوند است، اما برای وصال به آن وجود متعال در ورای همه‌ی فضایل، آدمی نخست باید آن فضایل را تجربه کرده باشد و برای رسیدن به مقام فنا و بقای بالله نیز، سالک باید پیش از آن، دیگر مقامات و احوال را طی کرده باشد.

شیخ ابونصر سراج گفته است: «اگر گفته شود که معنای مقامات چیست؟ باید گفت: معنای آن توقف بنده در پیشگاه خداست در انجام عبادت‌ها و مجاهدات و ریاضات و بریدن از خلق و پیوستن به خدا.

و مقامات عرفان شامل توبه، ورع (پرهیزگاری)، زهد، فقر، صبر، توکل و رضا هستند. او می‌گوید: احوال چیزهایی هستند که در دل درآیند و یا دل در آن‌ها درآید، همچون صفای یاد خدا و از جنید نقل شده که گفت: حال چیزی است که در دل درآید؛ اما چندان نیاید. همچنین گفته شده که حال ذکر پنهانی خداست.

۱- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۷، ص ۳۲.

شیخ می گوید: احوال شامل مراقبت، قرب، محبت، خوف، رجاء، شوق، انس، طمأنینه، مشاهده و یقین می باشد.<sup>۱</sup>

هجویری در تعریف حال و مقام می گوید: «مقام، عبارت بود از راه طالب و قدمگاه وی اندر محل اجتهاد و درجت وی به مقدار اکتسابش اندر حضرت حق تعالی. حال، عبارت بود از فضل خداوند تعالی و لطف وی به دل بنده، بی تعلق مجاهدت وی بدان؛ از آن چه مقام از جمله ی اعمال بود و حال از جمله ی افضال و مقام از جمله ی مکاسب و حال از جمله ی مواهب.

پس صاحب مقام به مجاهدت خود قایم بود و صاحب حال از خود فانی بود، قیام وی به حالی بود که حق تعالی اندر وی آفریند.<sup>۲</sup>

در اهمیت احوال و مقامات از جنید رحمه الله نقل کرده اند که: «بنده به حقیقت معرفت و صفای توحید نرسد، مگر آن که از احوال و مقامات بگذرد.

و نیز بعضی از مشایخ گفته اند که شبلی رحمه الله را ندیدیم مگر آن که در احوال و مقامات سخن می گفت.<sup>۳</sup>

در کشف المحجوب آمده است<sup>۴</sup>: «بدان که راه خدا بر سه قسمت است: یکی مقام، و دیگر حال و سه دیگر تمکین.

و خدای عزوجل همه ی انبیاء را برای بیان کردن راه خود فرستاده است تا حکم مقامات را بیان کنند، و تمامت انبیاء و رسل که آمدند با صد و بیست و چهار مقام، و به آمدن محمد علیه السلام اهل هر مقامی را حالی پدیدار آمد و بدان پیوست که کسب خلق از آن منقطع بود تا این تمام شد بر خلق و نعمت بغایت رسید، لقله تعالی «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی»<sup>۵</sup>

و خدای تعالی ما را خبر داد از جبرئیل که وی گفت: و ما منا الا اله مقام معلوم: هیچ کس نیست از ما، الا که وی را مقامی معلوم است. و باز حال معنی باشد که از حق به دل پیوند بی آن که از خود آن را به کسب دفع توان کرد، چون بیاید.<sup>۶</sup>

۱- سراج طوسی، ابونصر، ۱۳۸۸، ص ۹۷.

۲- هجویری، علی بن عثمان، ۱۳۷۸، ص ۲۲۵.

۳- همان، ص ۳۸۸.

۴- هجویری، علی بن عثمان، ۱۳۷۸، ص ۴۸۴.

۵- سوره ی مائده، آیه ی ۳.

۶- سوره ی صافات، آیه ی ۱۶۴.

۷- همان، ص ۲۲۴.

« و حمل تقرّب بنده به خدای و تقرّب خدای به بنده در این حدیث : «من تقرّب الی شبراً تقرّب الیه ذرعاً؛ هر کس به من وجبی نزدیکی جوید، یک ذرع به او نزدیکی جویم، بر مقامات و احوال کردن موافق و مطابق است.

چه تقرّب بنده به کسب و سلوک در مقام خود مستجاب جذبه ی الهی است در صورت نزول حال<sup>۱</sup>»

و در شرح کلمات باباطاهر آمده است که سیر در «مقامات و احوال»، از آن اهل طلب است که صاحبان شهودند<sup>۲</sup>.

دو اصطلاح مهم «حال و مقام» دارای آن چنان اهمیتی در عرفان می باشند که بسیاری از منابع و کتب معتبر تصّوف و عرفان، گستره ی وسیعی از موضوعات خود را به «احوال و مقامات» اختصاص داده و اکثر عرفا و صوفیّه و مشایخ نامدار عرفان سخنان موجز و بعضاً مبسوطی در باب حال و مقام بیان نموده اند که در اکثر منابع عرفانی ثبت و ضبط است.

همچنین بخش اعظم ادبیات دوره ی آغاز تصّوف به شرح و دسته بندی «احوال و مقامات» اختصاص دارد و در این عرصه ها با ظریف ترین مسائل روان شناسی سروکار داریم. از این رو نمی توان وحدت نظر کامل مؤلفان گوناگون را در مورد این دسته بندی انتظار داشت. تعداد و شرح ویژگی های این مراحل و منازل و مقام ها، می توانند با هم تفاوت های زیادی داشته باشند.

حاصل کلام آن که «احوال و مقامات» دو اصطلاح اساسی و بسیار عمده ی اهل تصّوف و عرفان است؛ چون در طی سیر و سلوک و در طی طریق، هر چه بر سالک سیار بگذرد یا از جنس «احوال» است یا از نوع «مقامات».

انور قادری

تابستان ۱۳۹۰

---

۱- کاشانی، عزالدین، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸ .

۲- سجادی، سید جعفر، ۱۳۷۹، ص ۷۳۹.